

مدرسه چهارباغ

محمدحسین ریاحی

خسرمی مدرسه چهارباغ

بر دل فردوس برین هشته داغ^۱
مدرسه چهارباغ اصفهان را به تحقیق می‌توان نمونه
اعلای یک نهاد آموزشی در زمان خود دانست و این
آخرین بنای تاریخی با شکوهی است که در عهد صفویه
برای تدریس و تعلیم طلاب علوم دینی و در دوره
آخرین پادشاه صفوی یعنی شاه سلطان حسین
(۱۱۰۵-۱۰۳۵ ق) از سال ۱۱۱۶ تا ۱۱۲۶ ق ساخته
شده است. آیین مدرسه با گذشت سه قرن هنوز روح
معنوی، عظمت هنری و طبیعت با طراوت خود را
حفظ کرده است. به طوری که وجود اشجار کهنسال،
به خصوص چنارهای تنومند و نهی آبی که از وسط
مدرسه می‌گذرد صفای خاصی به این بنای ارزشمند
بخشیده است. حدود یک قرن پیش جهانگردی فرهنگی
عظمت این مکان را با وجود صدماتی که بر این بنا

خاصه در زمان فتنه افغان و بعد از آن رفته است، این
گونه ستوده است: آیا در سراسر جهان مدرسه‌ای
می‌توان یافت که در زیبایی و صفا از این کاملتر باشد و
در آن اجزا و عناصر گوناگون بدین سان به هم درآمیخته
و درهم ترکیب و ذوب شده و اثری واحد پدید آورنده
باشند. آراجر سیوری که از صاحب نظران تاریخ ایران
به خصوص دوره صفویه می‌باشد آن را با شکوه‌ترین
بنایی می‌داند که توسط جانشینان شاه عباس اول در
اصفهان ساخته شده است. یکی از متفکران علوم و
تمدن اسلامی این مدرسه را حاصل شکوفایی
سازمانهای تعلیماتی شیعه و جزو شاهکارهای هنر
اسلامی می‌داند. جذابیت و شکوه این نهاد آموزشی از
جهات مختلف در بینندگان خود آن قدر تأثیر گذاشته و
می‌گذارد که هیچ‌یک از بناهای تاریخی اصفهان به اندازه
این بنا شور و شوق شاعرانه جهانگردان اروپایی را

برنیانگیخته است. به عنوان مثال دیولافوا، گوینو و فلاندن این بنا را بسیار دلپذیر، جذاب و سحرآمیز توصیف کرده‌اند.

این مدرسه را به نامهای مختلف خوانده‌اند از نظر اینکه در قسمت شرق خیابان چهارباغ واقع شده است آن را مدرسه چهارباغ خوانده‌اند و به علت اینکه به فرمان شاه سلطان حسن صفوی احداث شده است مدرسه سلطانی نامیده‌اند. و از جهتی مدرسه مادرشاه هم گفته‌اند بدین خاطر که مادر شاه سلطان حسین سرای فتحیه که هم‌اکنون به جای آن مهمانسرای عباسی ساخته شده است و همچنین بازارچه بلند را وقف بر این مدرسه کرده که منافع آنها به مصرف مدرسه و طلاب آن برسد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و گسترش حوزه علوم دینی این مدرسه نیز از حیث دروس حوزه‌ای فعالیت شد و به مدرسه امام جعفر صادق (ع) موسوم گردید.

در بین کتابهای که در اواخر عصر صفویه تألیف شده است کتابی وجود دارد به نام «وقایع السنین و الأعوام» از سید عبدالحسین خاتون‌آبادی (متوفای ۱۱۰۵ ق)، نامبرده سعی کرده است وقایع مختلف و مهم عالم را به صورت سالانه تا سال وفاتش ذکر نماید. البته پس از مرگ او فرزندان مؤلف تا وقایع سال ۱۱۹۵ قمری را به آن منضم ساخته‌اند.^۷ این موضوعات بیشتر مربوط به تاریخ پیامبران الهی، تاریخ اسلام و مسائل مربوط به شیعه امامیه است. از جمله وقایع مضبوط در این کتاب اطلاعاتی است در باب مدرسه چهارباغ که در هیچ یک از اسناد و آثار مربوط به عصر صفوی نمونه آن دیده نشده است. اثر مذکور در ضمن وقایع مربوط به سال ۱۱۱۶ و ۱۱۱۸ قمری راجع به مدرسه چهارباغ آورده است: «نواب اشرف (یعنی شاه سلطان حسین صفوی) بناء مدرسه نمود در چهارباغ اصفهان در هزار و صد و شانزده (قمری) و در (سال) هزار و صد و هژده (قمری) مدرسه مشرف بر تمام شدن شد و در ذی‌الحجّة الحرام آن سال (منصب) تدریس مدرسه مزبوره بحضرت

علامة العلماء امیرزا محمدباقر سلمه‌الله تعالی تفویض نمود».^۸ وقایع السنین در مورد افتتاح مدرسه در سال ۱۱۲۲ قمری مطالبی را ذکر کرده و شروع کار مدرسه به طور رسمی را یکی از با شکوه‌ترین مجامع و گردهمایی‌های آن دوره خوانده است وی معتقد است: تا آن زمان در دولت صفویه چنین مجمعی منعقد نشده است.^۹ در آن روز به دستور شاه امراء، ارباب مناصب، علمای اعلام و مدرسین و کلیه بزرگان مملکتی حضور داشته‌اند، مؤلف از حضور اشخاص مثل میرمحمد باقرا و آقاجمال خوانساری و محمودآقای ناظر نبوتات و محمدسلیم خان ایشیک آقاسی‌باشی در این مراسم یاد کرده که پس از مراسم نیز مشغول به تدریس شده‌اند. مؤلف وقایع السنین از برخی مواد درسی که توسط مدرسین در آن روز تدریس شده نام برده است و می‌نویسد: در آن روز «تهذیب حدیث و شرح مختصر اصول و شرح لمعه» تدریس شده است.^{۱۰} حتی خود شاه صفوی هم گاهی برای استفاده از حضور علما و دانشمندان در این مدرسه حاضر می‌شده به طوری که آورده‌اند: وی علی‌رغم عدم درایت در کشورداری از دوستان علم و صنایع بوده است و نزد دانشمندان زمان به فراگرفتن علوم و فنون می‌پرداخته و از این رو بر آن شد که این مدرسه محل سکونتای طالبان علم و جای تعلیم و تعلم و بحث و فحوص مسائل علمی و از هر جهت در نوع خود ممتاز و بی‌نظیر باشد، تا آنجا که بنا بر مشهور پس از پایان یافتن ساختمان مدرسه یکی از حجره‌های آن را برای خود اختصاص داد که اکنون نیز این حجره با تزیینات خاص از سایر حجره‌ها ممتاز و سالم و بی‌عیب باقی مانده است و به نام آن شاه بدبخت تیره‌روز مشهور است. می‌گویند: وی در حجره مذکور که در انتهای شمال غربی مدرسه واقع است برای مطالعه و مباحثه با مدرسین و طلاب حاضر می‌شده است.^{۱۱} عزل و نصب مدرسین مدرسه نیز با این پادشاه صفوی بوده است به طوری که مؤلف تذکرة الملوک در این مورد آورده است: بعد از فوت میر محمدباقر که مدرس



سوسن‌های کاشی معرق و نقوش زیبا زینت داده شده است و از جمله روی سوسن وسط تصویر طاووس نقاشی شده است که بالای آن عبارت «انا مدینه العلم و علی بابها» به خط خوش نستعلیق نوشته شده است.^{۱۳} در اصلی مدرسه بسیار نفیس است این در که با نقره و طلا تزیین شده از نمونه‌های والای هنر و صنعت است. نصب در مدرسه در سال ۱۱۲۶ قمری انجام شده است. در این مورد «وقایع السنین والاعوام» می‌نویسد: «در اواخر شهر ربیع‌الاول نصب نمودند دری را که از نقره بجهت مدرسه مبارکه سلطانی ساخته بودند که تقریباً بیست من شاهی نقره برده بود و تخمیناً قریب به هشتصد تومان صرف آن در کرده بودند.»^{۱۴} بر دولنگه راست و چپ در مدرسه به خط نستعلیق برجسته نوشته شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم قال النبي صلى الله عليه وآله
 انا فتحنا لك فتحاً مبيناً انا مدينة العلم و علی بابها
 اشعاری نیز به خط نستعلیق و به‌طور برجسته از محمد صالح اصفهانی بر روی در وجود دارد. برای حفاظت در نقره در زمان تولیت مرحوم سیدالعراقین متولی مدرسه در سال ۱۳۲۷ قمری در چوبی تهیه و نصب شده است.^{۱۵}

پس از ورود از در مدرسه دالانی وجود دارد مستطیلی شکل و در مقابل در ورودی مدرسه ایوانی که به واسطه دیوار کوتاهی از مرمر، از دالان مدرسه جدا می‌گردد و در طرفین آن ایوان دالان کوتاهی که از آنجا وارد صحن مدرسه می‌شوند. در وسط دالان مدرسه چهارباغ سنگابی وجود دارد که حجاری آن مشتمل بر صلوات بر چهارده معصوم و به تاریخ سال ۱۱۱۰ قمری است و گویا این سنگاب را از جای دیگری به این مکان انتقال داده‌اند.

مساحت ساختمان و صحن مدرسه قریب هشت هزار و پانصد مترمربع است، صحن آن به شکل مربع می‌باشد که طول آن از مشرق به مغرب شصت و پنج و نیم و عرضش از شمال به جنوب پنجاه و پنج و

رسمی مدرسه چهارباغ بود به دستور شاه شخصی به نام ملا محمد حسین به سمت ملاحظاتی و تدریس در این مدرسه منصوب و مشغول شده است.^{۱۲}

نمای خارجی مدرسه رو به خیابان و دارای سردر بسیار عالی و زیبا و اطرافش هفده دهنه ایوان آجری دو طبقه‌ای است که در عقب آن حجره‌هایی وجود دارد کتیبه سردر مدرسه به خط نستعلیق سفید معرق بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ است و نام شاه‌سلطان حسین صفوی و به خط عبدالرحیم جزایری و به تاریخ ۱۱۲۲ هجری قمری است. در ورودی به طرف خیابان چهارباغ در ضلع غربی مدرسه واقع شده است، که در حاشیه چهارباغ بر شکوه خیابان افزوده است. دو دهانه، سردر از کاشی‌های فیروزه‌ای و بر روی دو پایه سنگ مرمر گلدانی به شکل بسیار زیبا قرار گرفته است و پهنای دهانه سردر مدرسه هفت متر است و در طرفین دو سکوی مرمر بسیار نفیس و عالی وجود دارد. «در فاصله بین کتیبه خط و مقرنس‌کاری‌های داخلی سردر با



نیم متر است، نهر بزرگی که از شعب زاینده رود است (مادی فرشادی) از وسط آن می‌گذرد و چند چنار کهنسال از چنارهای قدیمی آنجا هنوز باقی است. در چهار گوشه مدرسه چهار زاویه وجود دارد و بنای این مدرسه مثل ساختمان اغلب مدارس عصر صفوی دو طبقه است و دور تا دور طبقه فوقانی و تحتانی ایوانهای زیبا و خوش طرحی وجود دارد که در عقب آنها حجره‌های طلاب قرار گرفته است. مجموع ایوانهای تحتانی و فوقانی در داخل و خارج مدرسه نزدیک به ۱۲۰ و مجموع حجره‌های داخل مدرسه و داخل زوایای چهارگانه غیر از انبار و اطاق سرایدار ۱۳۴ حجره می‌باشد، تمام حجره‌ها دارای فرش‌های مخصوص به خود بوده است.

ایوان جنوبی مدرسه منتهی به گنبد عظیم و باشکوهی می‌شود که در زیبایی و ظرافت نمونه کاملی از معماری دوران صفویه است و مانند گنبد مسجد جامع عباسی و مسجد شیخ لطف‌الله مایه اعجاب و شگفتی بینندگان می‌گردد، در دو طرف ایوان دو مناره به ارتفاع ۳۸ متر ساخته شده که قسمت فوقانی آنها در آنجا که مؤذن اذان می‌گوید با بهترین طارمیهای چوبی مشبک تزیین گردیده است. کاشیهای فیروزه‌ای مناره‌ها بسیار زیبا و خوش منظر است. طول دهانه ایوان جنوبی ۹/۵ و عرضش ۸ متر و ارتفاع آن ۱۶ متر می‌باشد. سر مناره‌های مدرسه نیز قبلاً قبه‌هایی از طلا داشته که در قحطی سال ۱۲۸۸ قمری سربازی از گروه نظام‌السلطنه ما فی آن قبه‌های طلا را سرقت نموده است.^{۱۶} در دور ایوان جنوبی کتیبه‌ای بسیار عالی به خط عبدالرحیم جزایری و به تاریخ ۱۱۲۲ قمری وجود دارد، همان‌گونه که آمد گنبدی در عمق این ایوان قرار گرفته است. در دور گنبد و اطراف شاه‌نشین‌ها و رواقها کتیبه‌هایی با خطوط بسیار زیبا دیده می‌شود که به خط عبدالرحیم جزایری خطاط معروف می‌باشد تاریخ تحریر یکی سال ۱۱۲۱ و دیگری ۱۱۲۶ قمری است که آخرین کتیبه موجود از دوره صفویه می‌باشد.^{۱۷} در کنار

محراب واقع در ایوان جنوبی مدرسه منبری از سنگ یک پارچه مرمر سفید و نفیس بسیار علی قرار دارد که دارای ۱۲ پله است در بالای این منبر و محراب کتیبه‌ای

*** یکی از مستفکران علوم و تمدن اسلامی این مدرسه را حاصل شکوفایی سازمانهای تعلیماتی شیعه و جزو شاهکارهای هنر اسلامی می‌داند.**

وجود دارد به خط عبدالرحیم جزایری و به سال ۱۱۲۱ هجری که آقای دکتر هنرفر متن این کتیبه و سایر کتیبه‌های مدرسه چهارباغ را در کتابخانه «گنجینه آثار تاریخی اصفهان» آورده است.^{۱۸} در قسمت شرقی شبستان زیر گنبد، یک در منبت‌کاری بسیار ارزشمندی وجود دارد که به شبستان زمستانی مدرسه گشوده می‌شود. این شبستان دارای درهایی است که در سابق به طرف باغ و حوضخانه مدرسه باز می‌شده و اکنون اثری از آن باغ و حوضخانه باقی نمانده است. به قراری که بعضی از مطلعان مسایل اصفهان نقل می‌کنند چون شاه سلطان حسین در تشویق طالبان علم و دانشمندان سعی بلیغ داشته است از این رو دستور داده بود که در ساختمان آن موجبات و وسایل رفاه و آسایش طلاب مدرسه و مدرسان از هر جهت فراهم باشد، این است که علاوه بر تهیه همه‌گونه وسایل درس و بحث و مطالعه در داخل مدرسه، باغها و تفرجگاههایی نیز برای آنان مهیا کرد. روزهای جمعه تمام طلاب از مدرسه خارج شده و زنان حرم پادشاهی برای تیمن و تبرک و تشویق اهل علم از دری که متصل به عمارات سلطنتی بوده است وارد می‌شده‌اند و جامعه‌های طالبان علم را می‌شسته‌اند و حجره‌های آنها را



استفاده از حجره‌ها و اراضی مجاور آن تبدیل به مهمانخانه بزرگی شده است که اکنون به میمانسرای عباسی معروف است. این کاروانسرا و بازارچه بلند را که به بازار هنر نیز مشهور است، مادر شاه سلطان حسین صفوی وقف مدرسه چهارباغ نموده است.

حجره‌های طلاب:

همان‌طور که قبلاً ذکر شد مدرسه چهارباغ بجز انبار و اطاق سرایدار دارای ۱۳۴ حجره برای استفاده طلاب می‌باشد. اکثر حجره‌های این مدرسه دارای نقشه یکسانی است که از یک اتاق نشیمن در جلو و قسمتی به‌صورت صندوقخانه در عقب قسمت دیگری به‌صورت بالاخانه تشکیل می‌شود. در بین آنها حجره مخصوصی که اولین حجره ضلع شمالی مدرسه از سمت مغرب است به حجره شاه سلطان حسین مشهور است. معماری این حجره با سایر حجره‌های مدرسه مشابه است ولی از لحاظ جنبه تزیناتی اختلاف دارد به این ترتیب که داخل آن با حاشیه‌های طلاکاری آراسته شده و بخاری زیبایی دارد. شاه سلطان حسین قسمتی از ایام عمر خود را در حجره مخصوص خود به شرکت در مباحث دینی با علمای بزرگ گذرانده است. از اثار این حجره غیر از یک زیلوی ساده که کتیبه و تاریخ دارد چیز دیگری باقی نمانده است. ^{۱۰}نوشته در تار و پود این زیلوی قدیمی شعر زیر یافته شده است.

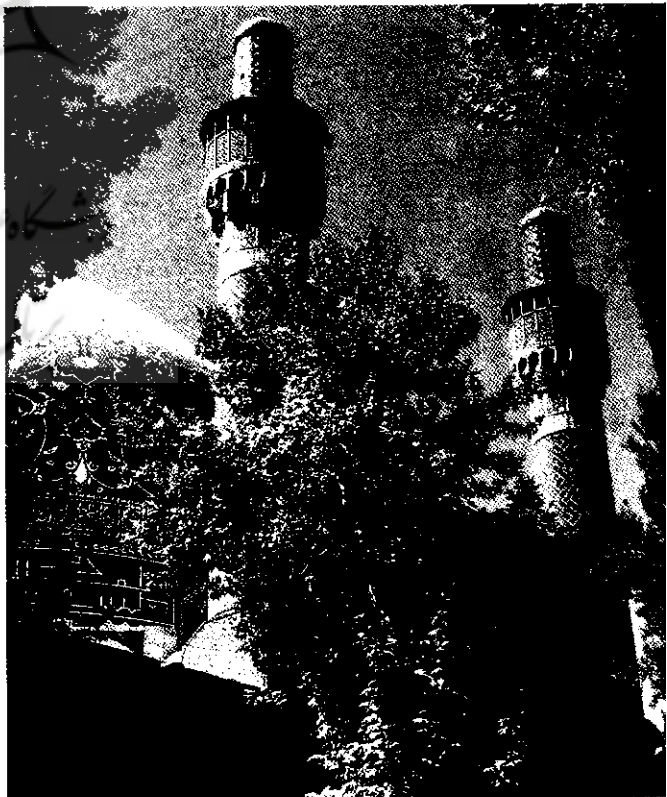
فرش این مدرسه که روح‌افزاست

وقف نواب اشرف اعلاست

کتابخانه مدرسه چهارباغ:

کتابخانه مدرسه چهارباغ از جمله کتابخانه‌های کم‌نظیر و ارزشمند عهد صفویه بوده است که متأسفانه در زمان فتنه افغان نابود شده و از بین رفته است. این کتابخانه در اختیار دانش‌پژوهان آن زمان به‌خصوص طلاب مدرسه بوده است و کتابداران کتابخانه نیز موظف بوده‌اند اکثر اوقات در کتابخانه مدرسه حضور

جاری می‌کرده‌اند.^۹ در سمت شمال مدرسه بازارچه‌ای زیبا، جالب و مرتفع به نام بازارچه بلند وجود دارد که به نوشته نثریه اوقاف پس از سالیانی دراز که خراب و غیر مسکون بوده در سالهای ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ شمسی بازسازی شده است.^{۱۰} این بازارچه نمونه‌ای ارزشمند و دیدنی از بازارهای زمان صفویه می‌باشد. در طرف شرق مدرسه کاروانسرای بزرگی قرار داشته که به کاروانسرای مادرشاه مشهور بوده است و در زمان شاه سلطان حسین صفوی در ضلع شرقی مدرسه چهارباغ ساخته شده است. این مکان نیز حدود سی سال پیش از طرف شرکت بیمه ایران اجاره شده است و با حفظ ظاهر و اسلوب قدیمی آن و بدون آنکه در وضع ظاهری و نمای آن تغییرات بنیانی داده شود با





*** کتابخانه مدرسه چهارباغ از جمله کتابخانه‌های کم‌نظیر و ارزشمند عهد صفویه بوده است که متأسفانه در زمان فتنه افغان نابود شده و از بین رفته است.**

گوشه و کنار اصفهان و مناطق اطراف آن و حتی نواحی دیگری مانند قم، کاشان، چهارمحال و کهگیلویه و... کم و بیش وقفیاتی به نام این مدرسه وجود داشته است که عواید آنها صرف بازسازی مدرسه و تأسیسات آن و امور مربوط به طلاب و مدرسین این نهاد آموزشی می‌شده است. متأسفانه نسخه اصلی وقفنامه در دسترس نیست، لکن رونوشتی منسوب به این وقفنامه نزد آقای مصطفی سیدالعراقین متولی مدرسه در نیم قرن پیش موجود بوده است.^{۲۵}

غیر از کاروانسرای مادر شاه که در حال حاضر به‌عنوان مهمانسرای بزرگ عباسی است و نیز بازارچه بلند که هر دو از ناحیه مادر شاه سلطان حسین صفوی وقف مدرسه بوده است برخی از موقوفات دیگر از این مدرسه هنوز باقی است که خرج مدرسه می‌شود که از آن جمله می‌توان از مزرعه باغ ملک در چهارمحال و مزرعه‌ای در احمدآباد کاشان نام برد.^{۲۶}

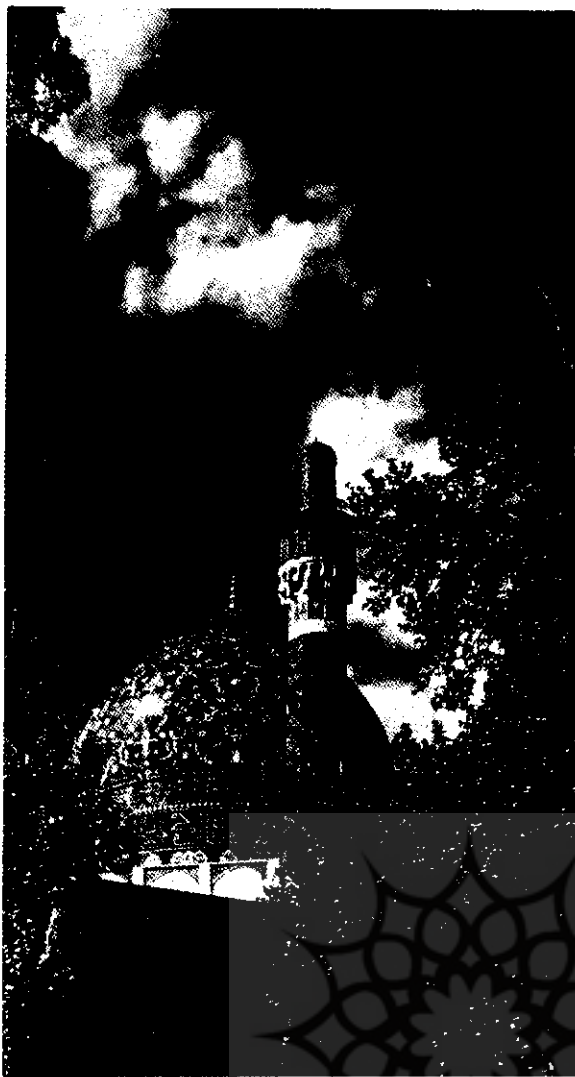
از میان مواردی که در رونوشت وقفنامه مدرسه چهارباغ به چشم می‌خورد یکی در باب وظایف مدرسین و طلاب مدرسه است از جمله اینکه: طلاب مدرسه باید به علوم شرعی مانند احادیث اهل بیت (ع)، تفسیر، فقه و اصول و همچنین فراگیری مقدمات آن مانند صرف و نحو اشتغال داشته باشند. و نیز هر یک از طلاب باید به قدر متعارف و معهود به این درسها مشغول بوده و حداقل یک درس طلاب باید یکی از کتابهای مشهور احادیث اهل بیت علیه‌السلام باشد.^{۲۷} همچنین با توجه به مخالفت با برخی از علوم عقلی در سالهای انحطاط عصر صفوی در حوزه‌های علمیه و مدارس آن زمان در وقفنامه این نهاد آموزشی

داشته و کتابهای مورد استفاده طلاب را در اختیار آنان بگذارند.^{۲۲} مؤلف جغرافیای اصفهان نوشته است: سلاطین صفوی کتب مربوط به هر علمی را تصحیح و تنقیح کرده سه دسته کلی از آنها را به‌خط خوش می‌نوشته‌اند، یک دسته را به کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)، دسته دیگر را به کتابخانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل می‌فرستاده‌اند و دسته‌ای دیگر را در کتابخانه دولتی مدرسه چهارباغ اصفهان ضبط و محفوظ می‌داشته‌اند وی در ادامه می‌نویسد: زمانی که افغانها بر اصفهان مسلط گردیدند مدرس مدرسه چهارباغ احتیاط کرد و این کتابها را در خانه خود در سردابه‌ای ریخت و در آن را مسدود نمود و تا هشت یا نه سال که این طایفه شهر را در تصرف کامل داشتند به این کتابها سر نزده تا اینکه بسیاری از این کتب به گرد و خاک و موریانه ضایع شده است.^{۲۳} با استناد به نوشته مؤلف جغرافیای اصفهان انهدام این کتابخانه را نیز باید جزو لطمات بزرگی دانست که در این فاجعه بزرگ نصیب فرهنگ این مرز و بوم شده است.

موقوفات مدرسه چهارباغ و موضوعات وقفنامه آن:

مدرسه چهارباغ دارای موقوفات زیادی بوده است که پس از استیلای افغان بر اصفهان و ظهور نادر چگونگی بسیاری از آن موقوفات نامعلوم مانده است.^{۲۴}

وقفیاتی که در عصر سلطان حسین بر این مدرسه قرار داده شده بود بسیار زیاد بوده است، به‌طوری که شامل تمامیت برخی از روستاها، مزارع، باغها، املاک، دکاکین، کاروانسراها و سایر مستغلات می‌شده است. در



هم به این مسأله تصریح شده است، در قسمتی از این وقفنامه آمده است که طلاب باید از مباحثه کتابهای حکمت و آثار مربوط به تصوف در مدرسه احتراز نمایند.^{۲۸}

بجز رونوشت وقفنامه مدرسه چهارباغ تنها منبع مربوط به وقفیات این مدرسه همان «کتاب وقایع السنین و الاعوام» است که در اشاره به مسائل مربوط به سال ۱۱۲۳ قمری از برخی موقوفاتی که جهت مدرسه به وسیله شاه سلطان حسین فراهم آمده بود آورده است که: سلطان حسین قریه مهیار را بر مدرسه جدید سلطانی وقف نمود و این زمانی بود که شاه از طریق شرعی مالک آن قریه گردید و نیز در همین تاریخ قریه‌های مور و ملک، سررود و نعیم‌آبادو غیر از آن هم خریده و بر مدرسه وقف نموده است. قریه دیگری به اسم طهرانچی را شاه از ورثه شخصی به نام لاله‌بیک به چهار صد و چهل تومان خریده و وقف مدرسه نموده است.^{۲۹} با عنایت به این مطلب و نیز میزان وقفیات و عواید آن و همچنین نظارت شخص شاه و حضور مستمر وی در این مدرسه و عزل و نصب متصدیان و مدرسین این نهاد آموزشی از ناحیه او، به فراوانی امکانات این مدرسه به‌عنوان یک نهاد آموزشی در اواخر عصر صفوی می‌توان پی برد. به‌طوری که نوشته‌اند: اهل مدرسه را تنعم بسیار بوده و نفوذ کلمه آنان بی‌قیاس و از جهت مادی هیچ‌گونه مشکلی نداشته‌اند، به‌گونه‌ای که آشپزخانه مدرسه از جهت تأمین

مابحتاج خوراک طلاب و مدرسین در زمان شاه صفوی همواره برقرار بوده است.^{۳۰} آهر چند که باید گفت این یک استثنا بوده و چه بسا در همین مدارس علوم دینی عصر صفوی در این شهر یعنی اصفهان، طلاب بسیاری از نظر معیشت در تنگنا و سختی بوده‌اند. برای نمونه با مراجعه به احوال برخی از طلاب علوم دینی عصر صفوی مانند سید نعمت‌الله جزایری (متوفای ۱۱۱۲ ق) می‌توان به این موضوع پی برد.^{۳۱}

*** مدرسه چهارباغ دارای موقوفات زیادی بوده که پس از استیلاي افغان بر اصفهان و ظهور نادر، چگونگی بسیاری از آن موقوفات نامعلوم مانده است.**



فهرست منابع و مآخذ:

پایه‌ها

- ۱- آثار ملی اصفهان، ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲ ش.
- ۲- آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، لطف‌الله هنرفر، اصفهان، انتشارات گلها، چاپ دوم، ۱۳۷۲ ش.
- ۳- اوراق ایرانی، کلوک‌اند، ترجمه ایرج پروشانی، تهران، انتشارات معین، ۱۳۶۸ ش.
- ۴- ایران عصر صفوی، راجر سیوری، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
- ۵- تاریخ اصفهان و ری، محمدحسن خان جابری انصاری، تهران، انتشارات عماد زاده، ۱۳۲۱ ش.
- ۶- تاریخ فرهنگ اصفهان، مجتبی ایمانیه، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۵ ش.
- ۷- تاریخچه اوقاف اصفهان، عبدالحسین سینتا، انتشارات اوقاف اصفهان، ۱۳۴۶ ش.
- ۸- تذکره الملوک، میرزا سمیع، بکوشش محمد دبیرسیاقی، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش.
- ۹- جغرافیای اصفهان، میرزا حسین تحویلدار، به کوشش منوچهر ستوده، انتشارات دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
- ۱۰- علم و تمدن در اسلام، سید حسین نصر، ترجمه احمد آرام، خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۵۹ ش.
- ۱۱- فهرست ابنیه تاریخی اصفهان، کریم نیکزاد حسینی، اصفهان، چاپخانه ندارد، ۱۳۳۳ ش.
- ۱۲- فصول العلماء، میرزا محمد تنکابنی، تهران، اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
- ۱۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنرفر، نفی اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۵۰ ش.
- ۱۴- مجله یادگار، ۱۴- نشریه اوقاف اصفهان، شماره اول، اداره اوقاف اصفهان، ۱۳۲۶ ش.
- ۱۶- وقایع السنین و الاعوام، عبدالحسین خاتون‌آبادی، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران، اسلامیه، ۱۳۵۲ ش.
- ۱- شعر از حسین مسرور (متوفای ۱۳۸۸ ق) از شعرای معاصر اصفهان
- ۲- آشنایی با شهر تاریخی اصفهان/ ۸۹
- ۳- اوراق ایرانی / ۱۶۴
- ۴- ایران عصر صفوی ۱۶۵
- ۵- علم و تمدن در اسلام / ۶۴
- ۶- آثار ملی اصفهان/ ۲۴۵
- ۷- مجله یادگار/ س ۱/ ش ۳
- ۸- وقایع السنین و الاعوام / ۵۵۶، ۶۶۱
- ۹- همان، مأخذ
- ۱۰- همان، مأخذ
- ۱۱- تاریخ فرهنگ اصفهان / ۱۳۱
- ۱۲- تذکره الملوک ۲/ ۲۰۱
- ۱۳- گنجینه آثار تاریخی اصفهان / ۶۸۹
- ۱۴- وقایع السنین و الاعوام / ۵۶۷
- ۱۵- فهرست ابنیه تاریخی / ۲۴
- ۱۶- تاریخ اصفهان و ری / ۲۰۱
- ۱۷- تاریخ فرهنگ اصفهان / ۱۳۴
- ۱۸- گنجینه تاریخی آثار اصفهان / ۶۸۵ تا ۷۲۲
- ۱۹- تاریخ فرهنگ اصفهان / ۱۳۵
- ۲۰- نشریه اوقاف / ۱ / ۲۱۹
- ۲۱- گنجینه آثار تاریخی اصفهان / ۷۱۹
- ۲۲- تاریخچه اوقاف اصفهان / ۱۶۷
- ۲۳- جغرافیای اصفهان / ۴۸
- ۲۴- تاریخچه اوقاف اصفهان / ۱۱۹
- ۲۵- رک: ضمیمه شماره ۱
- ۲۶- تاریخ فرهنگ اصفهان / ۱۳۶
- ۲۷- تاریخچه اوقاف اصفهان / ۱۴۴
- ۲۸- تاریخچه اوقاف اصفهان / ۱۴۴
- ۲۹- وقایع السنین و الاعوام / ۵۶۳
- ۳۰- تاریخ اصفهان و ری / ۳۰۰
- ۳۱- قصص العلماء / ۴۳۶